

## نقش‌های پیشرانی نیروی انتظامی در تحقق تمدن نوین اسلامی

یوسف ترابی<sup>۱</sup>، سیدعلی مومنی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** در سال‌های اخیر مقوله تمدن نوین اسلامی و چگونگی تحقق آن به‌عنوان یکی از اهداف عالی انقلاب اسلامی ایران، از جمله مباحثی است که در بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان یکی از چشم‌اندازهای ایران اسلامی مطرح شده است. نهاد دولت اصلی‌ترین نهادی است که در جوامع بشری به منظور تحقق تمدنی خاص شکل می‌گیرد. از آنجا که یکی از نیازهای مشترک دولت‌ها نیاز به نظم و امنیت است، آنها با تشکیل نهادهای نظامی و انتظامی در صدد تامین نظم اجتماعی، امنیت و احساس امنیت در میان شهروندان بر می‌آیند. این پژوهش با در نظر گرفتن ویژگی‌های پلیس در جمهوری اسلامی ایران، کارکردهای آن را به مثابه پیشران در تحقق تمدن نوین اسلامی بررسی و پیشنهادهایی ارائه می‌کند.

**روش:** این مقاله پژوهشی کیفی و از منظر روش توصیفی - تحلیلی است و از روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** پلیس در فرآیند تکوین تمدن نوین اسلامی، پیشران در تحقق موارد زیر است: تامین نظم اجتماعی و امنیت، نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر، نهادینه‌سازی جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی، عدالت‌گستری، دفاع از حقوق شهروندی، مبارزه با فساد، حسگری و دیده‌بانی مسائل مکتوم اجتماعی، حمایت و بسیج مردم از نظام سیاسی و تقویت فرهنگ مدیریت جهادی و انقلابی.

### کلیدواژه‌ها

تمدن، تمدن نوین اسلامی، پیشران، دولت، پلیس

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

۲. مربی فلسفه اسلامی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه:

## مقدمه

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم انسانی در حیات بشر مقوله تمدن است. در طول تاریخ پژوهش‌های فلسفی و اجتماعی، بخشی عظیمی از متفکران مسلمان و غیرمسلمان، انسان را موجودی به طبع اجتماعی می‌دانند که به تنهایی قابلیت پاسخگویی به تمامی نیازها و عملی کردن استعدادهایش را نداشته و بنابراین یکی از نیازهای اولیه او زندگی در محیط اجتماعی است. به مرور زمان با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، گاه این اجتماعات فقط جنبه ابزاری برای برطرف‌سازی نیازهای بشر را نداشته و با تشخیص یافتن در قالب یک دست‌آورد و مفهوم جدید به نام «تمدن» علاوه بر جنبه پاسخگویی به نیازهای بشری، در خلق، جهت‌دهی و تعریف نیازهای جدید نیز برای بشر نقش‌آفرینی کرده است. از اینجا واژه «تمدن» و «تمدن‌سازی» به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین واژگان و اصطلاحات علوم انسانی وارد تاریخ معرفت بشر شده و همواره نظر متفکران را به خود جلب کرده است. تا جایی که اغلب جامعه‌شناسان و متفکران عرصه علوم انسانی و اجتماعی، تمدن را فقط یک مرکب غیرحقیقی متشکل از تعداد خاصی انسان که دورن یا برون شهر یا روستا زندگی می‌کنند، نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند تمدن خود موجودیتی مستقل و متشخص است که دارای صفات انسانی نظیر حیات، مرگ، فضیلت، رذالت، با فرهنگ، بدوی و... است.

تمدن‌ها در شرایط خاصی متولد شده، رشد و نمو کرده و به بالندگی و بلوغ و اوج می‌رسند و گاه بعد از مدتی به دلایلی دچار افول و فنا می‌شوند و در این میان، زندگی نسل‌های مختلفی از بشر را درگیر کرده و شکل می‌دهند و در پیشبرد تاریخ نقش بسزایی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر واژه تمدن پیوندی عمیق با فرهنگ دارد زیرا یکی از سنگ بناهای این پیکره، فرهنگ است. تمدن‌ها متضمن یک یا چند فرهنگ بوده و یا دارای نقش فرهنگ‌سازی در میان اقوام مختلف بشر هستند. اصطلاح بعدی که این

بحث ارتباط عمیقی با آن دارد دین است. ادیان به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم فرهنگی موجود در عرصه هستی از ابتدای شکل‌گیری تمدن‌های بشری، نقش کارکردی مهمی در شکل‌گیری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها داشته‌اند و همواره تمدن، فرهنگ و دین روابط عمیق و مستحکم چندجانبه با هم داشته‌اند. دلیل تاریخی این ادعا، هم‌تاریخی تکوین تمدن‌های بشری با نهادهای دینی است. تقریباً هیچ تمدنی را نمی‌توان در تاریخ یافت که فاقد یک هویت دینی باشد یا مواضع خود را با دین مشخص نکرده باشد.

دین اسلام نیز به‌عنوان یکی از اجتماعی‌ترین ادیان، از ابتدای تکوین و شکل‌گیری، روابط کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای با اجزای تمدن‌ساز داشته و در همان زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عقلانیت، اهتمام به علم و دانایی و فرهنگ و نهادهای تمدن‌ساز نظیر دولت و... در بستر آن رشد و تکوین یافته‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در پهنه گسترده تاریخ ظلم‌ستیزی و استقلال‌خواهی جوامع مسلمان، و پس از گذار از مرحله تأسیس نظام اسلامی منطبق بر دیدگاه‌های مکتب تشیع، در دهه‌های گذشته شاهد آن هستیم که مفهوم تمدن نوین اسلامی در بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی رواج یافته و این مقوله با داغ شدن تنور دیدگاه‌های تمدنی و آینده‌پژوهی و جدی شدن تهدیدهای فرهنگی، اجتماعی و... در سال‌های گذشته بیش از پیش در صدر توجه متفکران واقع شده است.

در سال‌های اخیر برای بیشتر قریب به اتفاق دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران این نکته نهادینه شده که رسیدن به افق‌ها و چشم‌اندازهای مطلوب جمهوری اسلامی تنها منحصر به تغییرات سطحی در دیدگاه‌های مدیریتی نبوده و تحقق آرمان‌ها و شعارهای نظام اسلامی جز با نگاه عمیق و رویکردهای عقلانی عمق‌نگر نسبت به تمدن، فرهنگ و شناخت و اصلاح رویکردهای عمیق تمدن‌شناختی ممکن نیست.

در این میان نقش پلیس به‌عنوان بازوی اصلی حاکمیت در تحقق امنیت داخلی نقشی پر رنگ و غیر قابل انکار است. اگر تمدن را حاصل دست‌آوردهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری گروه خاصی از بشر بدانیم، قطعاً با اینکه حفظ دست‌آوردها در پرتو امنیت، کارکردی اساسی دارد، تحقق و حفظ امنیت، ضامن بقای رویکرد نوآورانه و رغبت بشر برای بدست آوردن ابتکارات جدید در عرصه هستی نیز هست. بنابراین دستگاه امنیتی و در رأس آن پلیس، نقش بسزایی به مثابه یکی از ساختارهای پیشران در تحقق آرمان شهر تمدن نوین اسلامی برعهده دارد. پژوهشگران در این پژوهش در صدد هستند تا با تبیین نقش پیشرانی پلیس در تحقق تمدن نوین اسلامی، پیشنهادهایی برای رسیدن پلیس به ابزارهایی برای ایفای موثر نقش خود در تکوین تمدن نوین اسلامی ارائه کنند.

### مبانی نظری

براساس بررسی‌های انجام شده پژوهش‌شایان توجهی درخصوص کارکردهای پلیس به مثابه پیشران در تمدن نوین اسلامی وجود ندارد و از این حیث این پژوهش نو و جدید تلقی می‌شود.

**تمدن:** تمدن از کلمه لاتین «civitas» و معادل «poleis» یونانی است. یونانیان شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند که در برگیرنده شکل متعالی تری از زندگی برای انسان است. البته باید توجه کرد که یکی از دشوارترین مفاهیم موجود در علوم انسانی که تعریف‌های زیادی برای آن ارائه شده است واژه «تمدن» است. علت این مسئله به نظر می‌رسد اختلاف رویکردهایی است که اندیشمندان حوزه علوم انسانی و اجتماعی نسبت به این پدیده داشته‌اند. در این میان برخی تمدن را با علم و فناوری یکی انگاشته و برخی آن را محدود به قدرت سیاسی کرده‌اند. برخی مانند تایلور<sup>۱</sup>

1. Tylor

تمدن را با عناصر و مولفه‌های تمدنی مثل هنر، اخلاق و آداب و رسوم تعریف کردند و برخی مانند آلفرد وبر<sup>۱</sup> به ویژگی‌های تمدنی توجه داشته و کسانی مانند هومبولت<sup>۲</sup> در تعریفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۱). با توجه به این نکته به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین معانی آن شهرنشین شدن و اقامت در شهر است. تمدن در مفهوم عام آن عبارت از شهرنشین شدن است زیرا این واژه در زبان عربی از مدینه به معنای شهر گرفته شده است. این در حالی است که با تأمل بیشتر در مفهوم آن به نظر می‌رسد که در حقیقت شهر محصول تمدن‌سازی انسان است به همین خاطر است که برخی تمدن را به معنای خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان معنا کرده‌اند (معین، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳۹).<sup>۳</sup> این عبارت در زبان انگلیسی «civilization» و در زبان عربی معاصر «الحضاره» خوانده می‌شود.

ویل دورانت<sup>۴</sup> معتقد است «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۶۵، ص ۳). در تعریفی دیگر می‌توان تمدن را «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» دانست (انوری، ۱۳۸۳، ص ۳۳۷) همچنین گاهی تمدن «حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی» معرفی شده است. تمدن در این دیدگاه عبارت است از «خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه‌شدن امور اجتماعی یا به قول ابن خلدون عمران یافتن است» (ولایتی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). ابن خلدون

1. Alfred Weber

2. Humboldt

۳. دهخدا: «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت»

4. William James Durant

تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر وی، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت کند و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حایز «مدنیت» است (عروتی‌موفق، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

در جمع‌بندی تعریف تمدن می‌توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه‌نشینی خارج و در شاهراه نهادینه‌شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می‌شود. بر این اساس تمدن حاصل عینیت‌یافتگی امتداد مبانی شناختی هنجاری است که در آن به پرسش‌های بنیادین هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود و بر آن اساس، ارزش‌ها و نیز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامی‌تر است تعیین می‌شود. در گام بعدی مبتنی بر مبانی هنجارهای شناختی، نظام‌های نظری- عملی تولید می‌شود و بر آن اساس نهادها شکل می‌گیرند و نهادها متکفل بازتولید نظام‌های نظری- عملی هستند. تفاوت تمدن‌ها از همین جا سرچشمه می‌گیرد و به عبارتی مدل‌های نظری- عملی گوناگون، تمدن‌های مختلف را شکل می‌دهند. به عبارت ملموس‌تر تمدن‌ها اشکال انضمامی شده مدل‌های نظری‌اند که انتزاعی هستند (جهانبین و معینی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۲). با نگاهی اولیه به آثار دانشمندان عرصه علوم انسانی می‌توان نتیجه گرفت که تمدن محصول عقلانیت انسان و تجلی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های او در عرصه‌های گوناگون حیات است در این راستا به نظر می‌رسد عواملی که به یک تمدن در عرصه خارج تشخیص می‌دهند و سبب به وجود آمدن یک تمدن خاص می‌شوند عبارت‌اند از:

- عوامل اقتصادی: شکار، کشاورزی، صنعت و سازمان‌های اقتصادی؛
- عوامل سیاسی: حکومت، دولت، قانون و خانواده؛

- عوامل اخلاقی: ازدواج، اخلاق جنسی، اخلاق اجتماعی، دین و آداب دینی؛ عوامل عقلی: ادبیات، علم و هنر (دورانت، ۱۳۶۵، ص ۱۲۷).

**تمدن نوین اسلامی:** یکی از مهمترین عوامل تمدن‌ساز در طول تاریخ بشر ادیان بوده‌اند. در این میان نقش ادیان توحیدی و ابراهیمی که بیشتر در محدوده جغرافیایی جنوب غربی آسیا به بشر نزول یافته‌اند، بیش از سایر ادیان به چشم می‌آید. هرچند این ادیان در حوزه جغرافیایی تمدن‌های قدیمی بشر که دارای سوابق طولانی تمدنی هستند، نزول یافته‌اند اما از همان ابتدا نقشی پررنگ در تکوین و یا تغییر تمدن‌ها در این منطقه ایفا کرده‌اند. دین اسلام در این میان به‌عنوان یکی از اجتماعی‌ترین ادیان بشر که ایمان و هدایت را فقط پدیده‌ای فردی ندانسته و برای عناصر اجتماعی در تغییر و اصلاح سرنوشت انسان اهمیت ویژه‌ای قائل است، نقش بسزایی در تکوین و شکل‌گیری تمدن‌های بشری از ابتدای نزول اسلام در ۶۱۰ میلادی تاکنون داشته است. تمدن اسلامی به‌عنوان یک نمونه کامل از تمدن‌های دینی، شاخصه‌هایی دارد که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز کرده است. مهمترین این شاخصه‌ها که جملگی برگرفته از قرآن و سنت شریف نبوی و ائمه بوده‌اند، عبارت‌اند از: خدامحوری (توحید)، غایت‌مندی عالم (معاد)، عدالت‌گستری، ولایت‌مداری، اخلاق‌مداری، مدارا، تعقل و اندیشه‌ورزی. در این راستا برخی از علل شکل‌گیری و اعتلای تمدن‌ها از منظر کلام وحی عبارت است از:

- ۱- وجود تقوا و ایمان به خدا در افراد جامعه؛
- ۲- رعایت حقوق مستضعفان؛
- ۳- رهبری و حاکم صالح؛
- ۴- وحدت و اتفاق درونی؛
- ۵- التزام و هماهنگی افراد جامعه به امر به معروف و نهی از منکر؛

۶- پرورش ارزش‌های اخلاقی نیکو؛

۷- پرهیز از فساد؛

۸- وجود نیروی نظامی مقتدر؛

۹- وجود قانون و رعایت آن؛

۱۰- شکر نعمت‌های الهی؛

۱۱- اجرای فرمان‌های الهی و تعالیمی که توسط پیامبران ارائه شده است (عیوضی، ۱۳۹۴، ص ۴۶۲).

**عوامل تمدن‌ساز در جوامع اسلامی:** در همین راستا در روند زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، نخستین اقدام لازم و ضروری نظام‌سازی است. چنانکه پیامبر اعظم در اولین اقدام سرنوشت‌ساز برای سر و سامان دادن امور جامعه اسلامی نظام‌سازی کرده و اقدام به تشکیل حکومت نوپای اسلامی در مدینه و پس از آن به مکه منتقل کردند. نظام<sup>۱</sup> و اثره‌ای استعاری برای حکومت یا سبک حکومت است. مجموعه عناصری که به شکل معینی پیوند می‌یابند و یک نوع کل واحد را به وجود می‌آورند. تعریف دیگری که برای نظام ارائه شده است عبارت است از اجتماع اصول و قواعد مربوط به یک موضوع و مرتبط به هم به شکلی که تشکیل یک نظریه یا مکتب را بدهد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۶۷۱). اما در خصوص تمدن نوین اسلامی منظور از نظام‌سازی، دست یافتن به الگویی از نظام است که بر پایه دین و عقلانیت دینی متولد و براساس ویژگی‌های گستره جغرافیایی و فرهنگی جامعه انسانی میزبان آن، تکامل یافته و نقش تسهیل‌گری در بهبود کیفیت زندگی انسانی ایفا می‌کند. به صورتی که با تحقق چنین نظامی، زندگی در بستر آن سبب تعالی ارزش‌های انسانی-اسلامی در میان افراد جامعه شده و تضمین‌بخش سعادت دنیوی و اخروی آنها باشد. در این میان یکی از اهداف



عالیه این نظام باید تحقق مفهوم عدالت در بین اقشار جامعه به‌عنوان مهمترین ارزش اسلامی در خصوص هدایت اجتماعی نوع بشر باشد. اما تحقق عدالت در جامعه اسلامی و ایجاد حس بهره‌مندی از آن در میان افراد جامعه اسلامی به‌عنوان مخاطبان نظام، بدون تحقق امنیت در سطوح مختلف زندگی بشری فاقد اعتبار به‌نظر می‌رسد. با نگاهی اجمالی به تاریخ حکومت اسلامی و نظام‌سازی دوران امامت و رهبری علی «علیه السلام» به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دوران عدالت‌محوری در طول تاریخ تمدن‌ها و نظام‌های سیاسی در جهان اسلام تاکنون نمونه‌ای عبرت‌آموز نسبت به این مسئله است. آنجا که جریان اموی در دسیسه‌ها و کارشکنی‌های خود علیه حکومت علوی، اصلی‌ترین بهانه را برای از صحنه بیرون راندن حکومت عدالت‌محور علوی، ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان از طریق برهم زدن امنیت جامعه اسلامی با استفاده از جهل مردم و جامعه اسلامی و کم‌تجربگی آنان بیان کردند. به همین منظور طراحی و سامان دادن جنگ‌های متعدد از طریق تحریک عناصر کوتاه‌فکر، منحرف و فریب‌خورده جامعه اسلامی و متوجه کردن مسئولیت آن به علی «علیه السلام» خود نمونه بارزی از برهم زدن امنیت جامعه اسلامی و ایجاد اختلال در احساس امنیت در بین اقشار جامعه اسلامی است. بنابراین به‌نظر می‌رسد در نظام‌سازی اسلامی یکی از مهمترین نیازها، دستیابی به سازوکارهایی است که علاوه بر تأمین عدالت در میان اقشار و لایه‌های جامعه اسلامی، تضمین‌کننده امنیت جامعه اسلامی نیز باشد. نکته‌ای که سست عنصری برخی عناصر داخلی نسبت به تلاش و پایداری در مسیر احقاق حق به همراه جهل مرکب برخی نسبت به مسئله جانشینی پیامبر اعظم، مانع از تحقق آن در حکومت علوی معصومان «علیهم السلام» شد.

**پیشران**<sup>۱</sup>: پیشران واژه‌ای است که در ادبیات و پژوهش‌های آینده‌پژوهی و روندکاوی، کاربرد گسترده‌ای دارد اما درخصوص چیستی و جایگاه پیشران در پژوهش‌های تمدنی تعاریف متعددی آمده است که در نظر اول این گونه استنباط می‌شود که تعدد این تعاریف حاصل تعدد رویکردها و نگرش‌ها به ابعاد و کارکردهای این مفهوم در مطالعات آینده‌پژوهی و تمدنی است. پیشران‌ها عوامل تاثیرگذار بر روندها و اقدام‌ها و تصاویر هستند که ممکن است آینده‌های متمایزی را پدید آورند<sup>۲</sup> (سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی). در این تعریف به‌نظر می‌رسد ویژگی اصلی پیشران، تأثیرگذاری آن در چگونگی شکل‌گیری روندها و اقدامات در آینده است. به این معنا که پیشران‌ها عواملی هستند که روندها و اقدامات و تصاویری که ممکن است آینده یک مجموعه یا تمدن را بسازند شکل می‌دهند. این نقش‌آفرینی در تغییر آن‌قدر مهم است که برخی پیشران‌ها را نیروهای بنیادین تغییر یا حرکت در الگوها و روندها می‌دانند.

بر این اساس به‌نظر می‌رسد حرکت عالمانه و دقیق یک جامعه برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب‌تر در گرو پیشران‌هایی است که آن جامعه برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خویش به کار می‌بندد. در این میان یکی از مهمترین ضرورت‌ها، درک و فهم صحیح آن جامعه نسبت به توانمندی‌ها، اهداف و آرمان‌های آن جامعه است و در مرحله دوم شناسایی روابط بین این نیروها از ضروری‌ترین اقداماتی است که برای رسیدن به پیشران‌های مناسب به آن محتاج هستیم. به همین دلیل اگر به منظور رسیدن به اهداف خاصی در پی طراحی یک سناریو هستیم، هنگام نگارش آنها، توجه به نیروهای پیشران ضروری است. فرایند طراحی سناریو با نگاه به نیروهای پیشران یعنی نیروهایی که بر حوادث و رویدادها تأثیرگذارند، شروع می‌شود. هر سازمان یا شرکتی توسط عوامل کلیدی درونی و بیرونی به جلو رانده می‌شود. تشخیص و ارزیابی این عوامل، نقطه

---

1. Driver

2. <http://www.persianacademy.ir/fa/word/>

شروع و یکی از اهداف اصلی روش سناریوهاست. به عبارت دیگر، نیروهای پیشران، عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریو شده و خط سیر داستان‌ها را مشخص می‌کنند بدون تشخیص نیروهای پیشران، هیچ راهی برای شروع تفکر سناریویی وجود ندارد (منزوی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶-۱۴۷).

بنابراین برای طراحی یک سناریو در ابتدا لازم است حوزه‌ها و مؤلفه‌هایی که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری آینده دارند و از آنها با عنوان پیشران نام می‌بریم احصاء شوند. برای شناسایی پیشران‌ها نیز مدل‌های مختلفی براساس ماهیت و بافت اجتماعی جامعه تغییرپذیر وجود دارد که براساس انطباق مدل‌های مربوطه با شرایط خاص هر جامعه اقدام به گزینش خواهد شد. با استفاده از تحلیل روندها می‌توان به این پرسش پاسخ داد که کدام نیروهای پیشران و تأثیرگذار بر این روند در آینده وجود خواهند داشت و کدام نیروها تغییر می‌کنند یا حذف می‌شوند؟ بنابراین تحلیل روند در این پژوهش عبارت است از مطالعه یک روند و یا روندهای مشابه که براساس پیشران‌های تغییرساز به‌منظور کشف ماهیت پدیده‌های تحول‌ساز، بروز رویدادهای مشابه و بیان علت‌های بروز و پیامدهای بالقوه آن انجام می‌شود.

**پلیس در جمهوری اسلامی ایران:** تاریخچه تشکیل پلیس در ایران تاریخی به بلندای ایجاد تمدن و یکجانشینی در ایران دارد. خود این مطلب به‌عنوان تأییدی بر این مدعا است که یکی از مهمترین نهادها و اجزاء هر تمدن انسانی نیروی انتظامی یا پلیس است. بنابراین در طول تاریخ تمدن و حکومت در ایران شاهدیم که نهادهایی تخصصی در زمینه حفظ و ارتقاء امنیت با نام‌ها و سازوکارهای مختلف وجود داشته و نقش مهمی در پیشرفت اهداف تمدنی در این جغرافیا بازی کرده‌اند. اما حضور پلیس در قالب جدید آن در ایران به دوران ناصرالدین شاه قاجار باز می‌گردد. وی با استخدام یک

مستشار اتریشی به نام کنت دومونت فرت<sup>۱</sup> به‌عنوان اولین رئیس‌نظمیه (پلیس) در ایران، فصلی جدید در تاریخ نهادهای انتظامی در ایران گشود (بختیاری و ترابی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). با نگاهی گذرا به تاریخچه حضور پلیس در ایران به‌خصوص در یکصد سال گذشته، به‌نظر می‌رسد با صرف نظر از تغییرات ارزشی که به واسطه تغییر حکومت‌ها در آن ایجاد شده، با توجه به ویژگی‌های زمانه و رشد و پیشرفت علم در حوزه جغرافیای ایران اسلامی، به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی ایران و تغییرات جغرافیای سیاسی و راهبردی در عرصه منطقه و بروز تهدیدهای جدید بین‌المللی و داخلی، ما با سه رویکرد رفتاری-مدیریتی در پلیس ایران مواجه هستیم که به‌ترتیب عبارت‌اند از:

**رویکرد پلیس اقتدارگرا و پلیس حاکمیت:** این رویکرد یکی از قدیمی‌ترین رویکردهای موجود در نهادهای نظامی و انتظامی در جهان محسوب می‌شود و اولین رویکردی است که در ایران نیز بر ساختار مدیریت و رفتار مأموران پلیس حاکم بوده است. در این رویکرد پلیس به‌عنوان عامل برقراری نظم و انضباط در جامعه بوده و مهمترین ویژگی آن قاطعیت و صلابت در برخورد با ناهنجاری و بی‌نظمی در جامعه است. در این رویکرد عمدتاً پلیس نسبت به برقراری نظم و انضباط حالتی پسینی داشته و در صورتی که بی‌نظمی و اختلالات اجتماعی و قانونی که سبب خدشه به امنیت عمومی می‌شود را در سطح جامعه مشاهده کند به برخورد با عوامل قانون‌شکن و ناهنجار پرداخته و با اعمال قانون مانع از هم‌گسیختگی نظم و انضباط در سطح جامعه می‌شود. در چنین رویکردی، ارتباط اقشار جامعه با پلیس چندان ضروری به‌نظر نمی‌رسد و اقشار و طبقات جامعه باید سعی کنند با درست انجام دادن وظایف خود، از برخورد پلیس با آنها جلوگیری کنند و فقط با پیروی صرف از دستورات و سیاست‌های پلیس در ایجاد نظم و انضباط در جامعه بکوشند. در این رویکرد نهاد پلیس در خدمت

حاکمان و نخبگان سیاسی و قدرت است (ترابی و رفیعی، ۱۳۹۶، ص ۵۸) و با سایر اقشار جامعه ارتباط وثیق و دوجانبه‌ای ندارد.

بنابراین با مراجعه به فرهنگ و تاریخچه ادبیات و ضرب‌المثل‌های فارسی که براساس این رویکرد شکل گرفته‌اند با این نکته روبرو می‌شویم که معانی کلماتی نظیر گزمه، محتسب، آژان، شهربانی‌چی، پاسبان و... دارای نوعی معنای سلبی در میان مردم بوده که اغلب تصور فردی را در اذهان عمومی منعکس می‌کند که اقشار مختلف جامعه در برخورد با آن باید از نوعی روحیه محافظه‌کاری، ترس و وحشت برخوردار باشند که مبادا توسط آنها به چالش کشیده شوند یا به دلیل تخطی از قانون مورد بازخواست قرار گیرند.

**رویکرد پلیس مسئله‌محور (پلیس تخصصی یا حرفه‌ای):** همزمان با پیشرفت جوامع بشری و تخصصی شدن شاخه‌های علوم مختلف، ارتکاب جرم و به دنبال آن ممانعت از جرم و تحقق امنیت و نظم در جوامع بشری نیز ابعاد تازه و پیچیده‌تری به خود گرفت. تخصصی شدن گستره علوم و به کارگیری دست‌آوردهای علوم جدید در کشف جرم و پیشگیری از آن، باعث شد تا رویکرد جدیدی در علوم پلیسی ایجاد شود. تخصصی شدن علوم پلیسی و به دنبال آن تخصصی شدن مشاغل پلیسی، کم‌کم ساحت‌های جدیدی از روش‌ها و مفاهیم جدید را به روی پژوهشگران علوم پلیسی گشود.

بر این اساس ملاحظه می‌شود که در این رویکرد جدید پیشگیری از جرم محدوده گسترده‌تری از ایجاد تغییر و تحول در فعالیت‌های متداول نظام عدالت کیفری و پلیس را شامل می‌شود که در این میان یکی از عوامل تأثیرگذار، همکاری نهادهای گوناگون در عرصه پیشگیری از جرم است که مهمترین آنها خود جامعه محلی، و ارتباط پلیس با آن است (فرجیها، ۱۳۸۷، ص ۱۴). در این رویکرد جدید که حاصل رشد دانش بشری

و پیچیده‌تر شدن روابط و مفاهیم انسانی است، زوایای جدیدی از مفاهیمی چون امنیت و نظم مورد توجه پژوهشگران و متولیان امنیت و نظم در جامعه گشوده شد. با پیشرفت تحلیل‌های دقیق پدیده‌هایی نظیر عوامل موثر بر وقوع جرم، احساس امنیت و...، اندک اندک رویکردهای پسینی مبارزه و مقابله با جرم، جای خود را به رویکرد پیشینی و پیشگیرانه داد. در این رویکرد جدید، علاوه بر معجرم و برخورد با او، عوامل موثر در تحلیل وقوع جرم گسترش یافته با پررنگ‌تر شدن عوامل محیطی، اجتماعی، تربیتی و مشخص شدن سایر عوامل نظیر نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم و...، پلیس را به این سوی سوق داد که لازمه حفظ و ایجاد امنیت، فقط قوه قهریه و اعمال آن نسبت به بزهکار نبوده بلکه ارتباط پلیس با اقشار جامعه و آموزش و تربیت آنها و جلب مشارکت و حمایت آنها در تأمین امنیت خود یکی از ارکان تحقق نظم و امنیت در جامعه است که تحقق این مهم در گرو ارتباط بیشتر پلیس با نهادها و طبقات و سطوح مختلف اجتماع است که این مسئله باعث ایجاد رویکرد سومی شد که امروزه ما آن را با عنوان «پلیس جامعه‌محور» می‌شناسیم.

**رویکرد پلیس جامعه‌محور:** در این رویکرد، با توجه به نقش محوری نهادهای اجتماعی و مردم در تحقق امنیت، نظم و پیشگیری از وقوع جرم، نهاد پلیس برای جلب همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و مردمی، اقداماتی را انجام می‌دهد تا از این رهگذر بتواند از همکاری و مشارکت جامعه محلی و نهادهای عمومی در تحقق نظم و امنیت بهره‌مند شود. در این رویکرد برخلاف رویکردهای پیشین که بیشتر در پیشگیری وضعی از جرم، شناسایی عوامل نزدیک ایجادکننده جرم و حذف یا کنترل آنها، تأکید می‌شد، با تمرکز بیشتر بر مشارکت اجتماعی در فرآیند کنترل جرم، دقت بیشتری بر روی سایر عوامل ایجاد جرم می‌شود. بنابراین عواملی مانند نقش بزه‌دیده در ارتکاب

جرم، شرایط و مناسبات اجتماعی، بافت اجتماعی محل وقوع جرم و...، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در رویکردهای پیشین، طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های پلیس به‌منظور کاهش جرم در تمام موارد مستلزم مشارکت جامعه محلی نیست و ممکن است که در برخی موارد حل مسئله جنایی بدون مشارکت جامعه محلی و توسط نهاد پلیس طراحی و اجرا شود (نوروزی و افراسیابی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)، اما در این رویکرد ارتباط با اقشار و لایه‌های مختلف اجتماع، یکی از مهمترین نیازهای پلیس محسوب می‌شود. نکته‌ای که در اینجا شایان توجه است این که پلیس در این رویکرد، ضمن ایجاد و صیانت از امنیت و احساس امنیت در میان اقشار و طبقات مختلف جامعه، خود به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای ارتباط حاکمیت با مردم به شمار می‌آید. این مسئله در سالیان گذشته با غلبه رویکرد جامعه‌محوری که حاصل رشد و پیشرفت و تخصصی شدن جوامع بشری است شکل جدیدی به خود گرفته و پلیس را از یک دستگاه اجرائی که وظیفه آن فقط برخورد قهری با قانون‌شکنان و مجرمان است، خارج کرده و جایگاه این سازمان را به‌عنوان یکی از نمادهای ارتباط حاکمیت با اقشار مختلف جامعه، ارتقا داده است. در چنین شرایطی بیش از آن که پلیس خود متولی و برقرارکننده قانون در جامعه باشد، نماد قانون در جامعه بوده و کارآمدی و یا ناکارآمدی آن در جامعه، به معنای کارآمدی و ناکارآمدی قوانین و حاکمیت تلقی می‌شود. از سوی دیگر حاکمیت نیز در این شرایط می‌تواند به پلیس فقط به‌عنوان یک ابزار بی‌روح و نظامی برای تحقق امنیت نگاه نکرده و پلیس را به‌عنوان یک سازمان زنده که خود برخاسته از بطن جامعه است و به حسب مأموریت‌های متعددش با اقشار مختلف جامعه سروکار دارد، نگریسته و فقط آن را یک سازمان نظامی یا خدماتی نبیند. در این رویکرد، پلیس بیش از همه این‌ها، یک نهاد اجتماعی است که نقاط مثبت و منفی آن در حقیقت بیانگر

کارآمدی و ناکارآمدی سیاست‌ها و راهبردهای حاکمیت نسبت به مردم است. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از چالش‌ها و مسائل محوری پلیس در جمهوری اسلامی، روند گزار از رویکرد مدیریت و فرماندهی پلیس از رویکردهای پیشین به رویکرد جامعه‌محوری و مردم‌گرایی است که در چنین شرایطی نقش پلیس در تحقق تمدن اسلامی بسیار پررنگ‌تر به نظر خواهد رسید.

### روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوعی که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، این پژوهش کیفی است زیرا بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مربوط به تأثیر ایدئولوژی دین، فرهنگ، سیاست، اخلاق و مانند آن، بر کنش و رفتار انسان - که موضوع مطالعه بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است - را می‌توان با استفاده از روش تحلیل کیفی و عقلی، تجزیه و تحلیل کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵) و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و با توجه به اینکه در این پژوهش، موضوعاتی چون تمدن، تمدن نوین اسلامی، نقش پیشرانی پلیس، آنهم با تأکید بر دیدگاه صاحب‌نظران و به ویژه مقام معظم رهبری مورد تأکید و توجه قرار گرفته، بنابراین در آن از روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

### یافته‌ها

**نقش‌های پیشرانی پلیس در تحقق مولفه‌های تمدن نوین اسلامی:** پلیس و نیروهای انتظامی در هر نظام سیاسی یک سازمان حکومتی و دولتی بوده و از مهمترین اجزاء و ارکان هر نظام سیاسی تلقی می‌شود. به این معنا که سازمان‌های پلیس و نیروهای انتظامی را دولت‌ها و حاکمیت برای برقراری نظم و امنیت و مقابله با عناصر مخل آنها تشکیل و سازماندهی می‌کنند و از این جهت، پلیس یک سازمان کاملاً دولتی و بازوی اقتدار دولت و نظام سیاسی تلقی می‌شود، زیرا به موجب قانون و عرف هر جامعه‌ای، تنها سازمان مشروع برای کاربرد زور، اجبار و آمریت در تحقق نظم در



جامعه، نیروی انتظامی است. از سوی دیگر، پلیس یک سازمان اجتماعی و مردمی است، زیرا ماموریت‌های پلیس دقیقاً در ارتباط نزدیک با مردم و شهروندان، جامعه، و همچنین بزهکاران و تبهکاران است. به همین خاطر پلیس به مثابه نماد و شاخص تحقق عدالت کیفری و قضایی در یک نظام سیاسی است، زیرا اگر واقعا ماموران پلیس به وظایف خود عالمانه، دقیق، قانونی، مسئولانه و متعهدانه عمل کنند، زمینه‌های بروز و ظهور بسیاری از ناامنی‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم کاهش می‌یابد و با جامعه پذیر شدن مردم و شهروندان امکان تحقق روابط اجتماعی متقابل سالم و منطقی و عادلانه در جامعه فراهم می‌شود. به همین دلیل، سازمان پلیس به نوعی حلقه واسط میان دولت و حاکمیت از یک سو و از سوی دیگر مردم و حوزه جامعه مدنی تلقی می‌شود. هر چند رویکرد جامعه‌محور پلیس با رشد دیدگاه‌ها و نظریه‌های مردم‌سالار و مدنی در حوزه حکومت‌داری در جوامع غربی پا به عرصه هستی گذاشته است، ولی با نگاه پژوهشگرانه در برخی از متون و نصوص دینی، به عبارتی بر می‌خوریم که حاکی از این نوع نگاه به نهادهای انتظامی در بیان معصومان «علیهم السلام» است، نه فقط صرف نیرویی قاهر که وظیفه‌اش برخورد با مجرمان و دشمنان داخلی و خارجی جامعه اسلامی است. در این راستا علی «علیه السلام» برای سازمان‌های مسلح و از جمله پلیس، کارکردهای زیر را قائل است:

- ۱- پناهگاه و دژ استوار مردم و شهروندان؛
- ۲- مامور تامین امنیت و آرامش مردم و احساس امنیت؛
- ۳- زینت حکمرانان و مایه شکوه نخبگان قدرت و حاکمیت؛
- ۴- عزت و آبروی دین؛
- ۵- مایه تقویت باورها و ایمان دینی، هنجارها و ارزش‌های دینی و اخلاقی و معنوی؛
- ۶- مجاری و کانال‌های تامین امنیت و آرامش مردم؛

۷- مایه استواری و پابرجایی مردم و شهروندان (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)<sup>۱</sup>.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به این نوع رویکرد درخصوص پلیس و نهادهای انتظامی و با توجه به مولفه‌ها و شاخص‌های تحقق تمدن اسلامی نوین، مهمترین زمینه‌هایی که پلیس آرمانی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در آنها نقش پیشرانی به‌سوی تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کند به شرح زیر است:

**پیشرانی در تامین نظم اجتماعی و امنیت:** استقرار نظم اجتماعی و امنیت در یک جامعه از مهمترین نشانه‌های تحقق عقلانیت در آن جامعه محسوب می‌شود. دولت‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف، این مسئولیت بسیار مهم و خطیر را برعهده سازمان‌ها و نهادهای پلیسی و انتظامی گذاشته‌اند، بنابراین تامین نظم و امنیت در جامعه از یک سو نشانه حاکمیت سیاسی و دولت موفق، و از سوی دیگر حاکی از وجود نهاد و سازمان پلیس مقتدر، موفق و کارآمد تلقی می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد در فرآیند تکوین یک دولت کریمه اسلامی و به دنبال آن تمدن نوین اسلامی، سازمان و نهاد پلیس، فرماندهان، مدیران و ماموران وظیفه‌شناس و متعهد آن کارکرد ارزشمند پیشرانی را از حیث تامین نظم اجتماعی و مراقبت از امنیت مردم در ابعاد و سطوح مختلف ایفا می‌کنند.

**پیشرانی در نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر:** «امر به معروف و نهی از منکر» از مهمترین ارکان جامعه سالم اسلامی و همچنین دولت اسلامی مطلوب محسوب می‌شود. در آموزه‌های توحیدی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، نقش بسیار مهمی در سلامت اجتماعی جامعه اسلامی و رشد آن در مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی را دارد. در بیانات معصومان و آیات قرآن، بر این اصل در تحقق آرمان‌شهر

۱. الجنود باذن الله حصون الرعيه وزين الولاة وعزالدين وسبل الامن و ليس تقوم الرعيه الا بهم

اسلامی تأکیدهای بسیاری شده است.<sup>۱</sup> اصل امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به مثابه یک سازوکار بسیار کارآمد و به مثابه نماد عینی «دفاع اجتماعی» تلقی کرد، زیرا نهادینه شدن آن می‌تواند جامعه را از بسیاری از ناهنجاری‌ها و ناامنی‌ها که ناشی از بی‌تفاوتی مردم و شهروندان نسبت به سرنوشت همدیگر و مصالح عمومی جامعه است، مصون کند. بهترین روش اجرایی امر به معروف، انجام عمل، کار شایسته و نیک از سوی مردم است و مهمترین روش نهی از منکر از بین بردن زمینه‌های وقوع منکر توسط مردم و نظام سیاسی در روابط اجتماعی است. بنابراین نیروی انتظامی در فرآیند نهادینه‌سازی اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند نقش پیشران را ایفا کرده و زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

**پیشرانی در نهادینه‌سازی جامعه‌پذیری و احترام به هنجارها و ارزش‌ها:** جامعه‌پذیری به معنای همسازی و همنوایی فرد با هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است، به عبارت دیگر، اجتماعی شدن، فراگردی است که بواسطه آن هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای مشارکت موثر و فعال در زندگی اجتماعی و گروهی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها،

۱.۱. یا بَنِي أَمِّ الصَّلَاةِ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ إِتْرَافٌ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا اصَابَكَ أَنْ ذَلِكُمْ مِنْ عِزِّ الْأُمُورِ (لقمان،

۱۷)

در توصیه‌های ارزشمند حضرت لقمان به پسرش، امر به معروف و نهی از منکر در کنار نماز آمده و این اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد.

۲. الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱)

در این آیه، امر به معروف و نهی از منکر در کنار برپاداشتن نماز و ادای زکات قرار گرفته و نکته دیگر این که آمران به معروف و ناهیان از منکر یاران خدا معرفی شده‌اند.

۳. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَامِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ (آل عمران، ۱۱۰).

شما بهترین امتی بودید که به وجود آمدید تا امر به معروف و نهی از منکر نموده و به خدا ایمان دارید.

نگرش‌ها، دانش و مهارت‌ها فرد را قادر می‌سازند تا با گروه‌ها و افراد جامعه کنش‌های متقابل داشته باشد.<sup>۱</sup> قانون، مقررات، قواعد اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های مورد احترام هر جامعه و نظام سیاسی، به مثابه بنیان‌های مولد نظم اجتماعی، امنیت و آرامش مردم تلقی می‌شوند. در جامعه اسلامی احکام و قوانین الهی، هنجارها و ارزش‌های والای انسان‌ساز اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. احکام و قواعد، هنجارها و ارزش‌هایی مانند: اقامه نماز جمعه و جماعت، احترام به والدین و بزرگترها و حمایت از کوچکترها، صلح به محرومان، احساس مسئولیت در برابر دیگران، عفاف و پاک‌ی جامعه، حجاب و نوع پوشش با کرامت انسانی و صداقت و درستی، وفای به عهد و پیمان و... شاخص‌های بنیادین و اساسی در یک نظام اسلامی است. نیروی انتظامی یکی از وظایف بنیادین و اصلی‌اش دفاع از ارزش‌های اسلامی است،<sup>۲</sup> که نتیجه طبیعی این دفاع هوشمندانه و منطقی، نهادینه‌شدن قانون‌گرایی و هنجارها و ارزش‌ها در جامعه و روابط میان مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی است و ماموران متعهد و هوشمند نیروی انتظامی می‌توانند در فرآیند نهادینه‌سازی هنجارها و ارزش‌های اسلامی نقش مهمی را ایفا کنند؛ بنابراین نهاد پلیس نقش پیشروانی در فرآیند جامعه‌پذیری مردم در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی را دارا است.

**پیشروانی در عدالت‌گستری:** یکی از اهداف بسیار مهم و زیربنایی دولت اسلامی تحقق عدالت در ابعاد گوناگون آن است که این مهم از طریق مبارزه با ظلم و تبعیض‌های ناروا امکان‌پذیر می‌شود. خداوند متعال نیز یکی از اهداف بعثت انبیای الهی را تحقق عدالت بیان کرده است. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من

1. danesd.rosd.ir

۲. «همه باید بدانند که نیروی انتظامی بنا دارد از ارزش‌های اسلامی دفاع کند، پاسداری از ارزش‌های اسلامی و انقلابی بزرگترین وظیفه نیروی انتظامی است» (بیانات در جمع فرماندهان ناجا ۱۳۷۴/۴/۲۱).

بنصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز» (حدید، ۲۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) در مجموع ۵۳۳ بار در بیانات حکیمانه خود از کلمه «عدالت» و مشتقات آن استفاده کرده‌اند. از این کلمات تعداد ۵۷ بار کلمه «عدالت اجتماعی» بوده است (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳، ص ۵۵). برای مثال حضرت امام می‌فرمایند: «قوانین اسلام اگر عملی بشود، حاصل آن عدالت اجتماعی است بدون آن که مفاسد سایر سیستم‌ها را داشته باشد» (صحیفه امام، ج ۷۴، ص ۵).

عدالت و مشتقات آن در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) نیز مکرر مورد تأکید جدی قرار گرفته است، (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۳، کتاب ۳۹). این مسئله بیانگر اهمیت بسیار مهم مقوله عدالت برای دولت اسلامی از منظر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی است. به همین جهت نیروی انتظامی به مثابه بازوی مقتدر نظام اسلامی، کارکردهای حائز اهمیتی در فرآیند مبارزه با ظلم و ستم و تحقق عدالت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عدالت کیفری و قضایی دارد. مبارزه با مفاسد اقتصادی، پولشویی، قاچاق کالا، احتکار، گرانفروشی و... مصادیقی از این وظایف ارزشمند تلقی می‌شود. بنابراین تکوین یک جامعه سالم و با نشاط و امن تا حدود فراوانی با چگونگی عملکرد نهاد و سازمان پلیس و نیروی انتظامی از یک سو و از سوی دیگر چگونگی کارکردهای ماموران پلیس است و این واقعیت بازتابی از نقش‌های مهم و تعیین کننده، نهادی و سازمانی پلیس و همچنین نقش عاملیت و کارگزاری فرماندهان، رؤسا و ماموران نیروی انتظامی در فرآیند تحقق جامعه اسلامی و همچنین تکوین نظام سیاسی و دولت اسلامی و تمدن نوین اسلامی است.

**پیشرانی در دفاع از حقوق شهروندی مردم:** یکی از کارکردهای مهم نهاد پلیس، تأمین حقوق شهروندی و دفاع از آن در برابر متعدیان و تبهکاران و عناصر مخل است.

در دولت کریمه اسلامی حقوق مردم گرانبهاترین گوهری است که دولت اسلامی وظیفه دارد برای تامین آن، مدیریت کارآمدی را اعمال کند و نهاد پلیس بازوی توانای دولت اسلامی در این رابطه است. حقوق شهروندی در دوران قدیم برفهموم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته و شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حاکم شدن و در فرهنگ فارسی امروزی «شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن کشور برخوردار شود. در یونان باستان و دولت‌شهرهای آن، تنها طریقه شهروند بودن، زندگی در دولت‌شهر و پیروی از قوانین دولت‌شهر بوده است (شیبانی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). در آموزه‌های دینی نیز مفاهیم بنیادینی در خصوص حقوق انسان و انواع حقوق مرتبط با حیات انسانی و حتی حقوق حیوانات و گیاهان و طبیعت وجود دارد که به‌ویژه در مکتب توحیدی اسلام، به آنها تاکید فراوانی شده است. حق الناس طیف وسیعی از حقوق مردم و انسان‌ها را در حیات اجتماعی شامل می‌شود که محترم تلقی شده است. حق حیات و زندگی، آزادی، حق انتخاب و مختاربودن انسان، آزادی تفکر و اندیشه، حق مالکیت، کار و سرمایه، پرهیز از تعدی به حقوق دیگران، محترم بودن جان، ناموس و مال و آبروی افراد از مفاهیم بنیادین حقوق شهروندی در اسلام است. شایان توجه است که در آموزه‌های اسلامی حتی حقوق جانداران و حیوانات و حفظ محیط زیست نیز مورد تاکید قرار گرفته است و سیره سیاسی تابناک و درخشان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و همچنین رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) و نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) مشحون از آموزه‌های حقوق مردم و شهروندان در ابعاد مختلف مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

در این قالب وظیفه ماموران پلیس به‌عنوان ضامن مقتدر اجرایی شدن قوانین و مقررات در جامعه، وظیفه دوگانه بسیار مهمی است که آنان در فرآیند تحقق حقوق شهروندی

ایفا می‌کنند. مراقبت از قوانین و مقررات، هنجارها و ارزش‌های مسلط یک جامعه و نظام سیاسی از مهمترین وظایف پلیس است که در کنار آن حفاظت از حقوق شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی از ماموریت‌های کلان و مهم ماموران پلیس در چارچوب قانون است. تلاش برای تحقق عدالت کیفری و کمک به رسیدگی به دعاوی حقوقی و قضایی در نظام دادرسی کیفری از مهمترین وظایف ماموران پلیس است. به همین دلیل برخی معتقدند که پلیس نماد عدالت در نظام سیاسی است. در همین راستا جامعه‌شناس فرانسوی «روبرت فوسسرت»<sup>۱</sup> پلیس را به عنوان «ارتش حقوق» تلقی می‌کند (لویه دل‌بای،<sup>۲</sup> ۱۳۹۲، ص ۲۸۴).

**پیشرانی در مبارزه با فساد با تاکید بر مبارزه با فساد خواص:** یکی از شاخص‌های دولت کریمه اسلامی مبارزه جدی با فساد در ابعاد کوناگون آن است. فساد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مهمتر از همه فساد سیاسی از مهمترین محورهای فساد در یک جامعه تلقی می‌شود که با رویکرد نظام‌مند بر همدیگر تاثیرگذار هستند. فساد سیاسی و یا فساد نخبگان قدرت و حاکمیت و فساد خواص از جمله مصادیق خطرناک و بارز فساد در یک جامعه تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) مکرر خطر فساد، به‌خصوص فساد نخبگان قدرت و خواص را متذکر شده‌اند: «امروز یکی از مهمترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود، به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی،

1. Robert Foessert

2. Jean-louis Delbail

سه، چهار سال، ده‌ها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره‌ی حق به جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پول‌ها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود. ضرر دوم این است، کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عدّه‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُر دردسر تولید و مقدمات آن و راه‌های طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فسادانگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند. ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخوهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که انجام نمی‌دهد؛ مجبور است به مدیران و مسئولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عدّه‌ای را فاسد می‌کند.... ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زیدگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها» (اسراء، آیه ۱۶). وارد



شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسئولان کشور خواهم می‌کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسئولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آن‌گاه می‌فهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است. نشناختن موقعیت و خطر، همان ناخودآگاهی است که این خود خطر بسیار بزرگی است» (دیدار با مردم قم ۱۹ دی ماه ۱۳۸۰).

مقام معظم رهبری روش‌های مبارزه با فساد را به شرح زیر تبیین فرموده‌اند: «ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت می‌خواهیم، باید دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده قانون و شکننده قانون بسته بشود؛ مبارزه با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود؛ امروز خوشبختانه مسئولین این را می‌گویند، لکن گفتن کافی نیست. همه مسئولین - چه مسئولین اجرایی، چه مسئولین قضائی و چه مسئولین قوه مقننه - در این جهت مسئول هستند. اگر چنانچه وضع اجتماعی، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه بی در و دروازه‌ای بود که هر که خواست آمد، هر جور خواست عمل کرد، هر چه خواست برد، خورد، خب معلوم است، انسان نجیب شایسته و متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود، باید فضای رقابتی به وجود بیاید، باید فضای با ثبات به وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. آن وقت در یک چنین فضایی آن کسی که با ابتکار خود یا سرمایه خود یا کارآفرینی خود ثروتی به دست می‌آورد، نظام

اسلامی از او حمایت می‌کند و تأیید می‌کند (بیانات در رابطه با اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

با توجه به مطالب یادشده به نظر می‌رسد امروزه مبارزه با فساد به خصوص فساد اقتصادی یکی از مهمترین راهبردهایی است که در پلیس باید جدی گرفته شود. خود این مبارزه دارای دو جنبه است، جنبه داخلی که در آن باید با ابزارهای دقیق آموزشی، تربیتی و نظارتی از وقوع فساد در داخل سازمان پلیس با ایجاد فضای ایمن و امن از آلوده شدن کارکنان به مسائل اینچنین، صیانت به عمل آید و جنبه بیرونی یعنی طراحی و اجرائی کردن سیاست‌ها و راهبردهایی که تسهیل‌گری‌های نقش پلیس در مبارزه با جرایمی نظیر قاچاق، پولشویی، اختلاس و... است، که کارآمدی پلیس در این دو جنبه می‌تواند یکی از مهمترین پیشران‌ها برای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

### **پیشرانی در حسگری مسائل و واقعیت‌های مکتوم در لایه‌های مختلف جامعه:**

سازمان پلیس جزء معدود نهادهایی است که به دلیل اجتماعی بودن آن و حضور ماموران پلیس در سطوح و لایه‌های مختلف اجتماع و ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با مردم و گروه‌های اجتماعی، اقشار و طبقات مردم، به درستی به اطلاعات دقیق، کشف و ادراک واقعیت‌هایی مکتوم از جامعه نائل می‌شود که هیچ سازمان و نهادی عملاً قادر به آن نیست. در چنین حالتی پلیس به مثابه یک «حسگر و هشداردهنده هوشمند» واقعیات و مطالبات مردم و گروه‌های اجتماعی مختلف را به نخبگان قدرت منتقل می‌کند و از این طریق کمک می‌کند تا مدیران و نخبگان سیاسی در تصمیم‌گیری‌های خود با دسترسی به اطلاعات دقیق و درست به خطا نروند و با اطلاع دقیق از مطالبات، نیازها و واقعیت‌های اجتماعی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اقدام کنند. از این بعد نیز سازمان پلیس و ماموران هوشمند آن نقشی تعیین‌کننده در بهینه شدن دولت، مخصوصاً در جامعه اسلامی ایفا می‌کنند (ترابی، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

**پیشروانی در قانونگرایی، تحکیم مشروعیت سیاسی و کارآمدی دولت اسلامی:**

پلیس و ماموران آن به مثابه بازوی مقتدر نهاد ولایت فقیه در جامعه محسوب می‌شوند زیرا ولی فقیه، فرماندهی کل قوا و نیروهای مسلح است که می‌تواند در قانونگرایی و تحکیم مشروعیت دولت اسلامی، کمک شایان توجهی کند. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در این زمینه می‌فرماید: «مسئله دیگری هم که خیلی به نظر من مهم است قانون‌گرایی است. این قانون‌گرایی دو عرصه دارد؛ یک عرصه در مواجهه با مردم؛ یعنی شما ببینید که کجا تخلف از قانون می‌شود، آنجا در مقابلش بایستید، یک عرصه دیگر در درون سازمان؛ به معنای اینکه عضو نیروی انتظامی در داخل سازمان نیرو به معنای واقعی کلمه قانون‌گرا باشد و رعایت قوانین را بکند؛ آنجا قانون‌گرایی بایستی بیش از همه جا در جریان باشد؛ من به فرماندهان محترم قبلی هم در طول این چند سال همواره سفارش می‌کردم، حالا هم به فرمانده محترم و مسئولان نیروی انتظامی تأکیداً سفارش می‌کنم که مسئله سلامت نیرو را دست‌کم نگیرید؛ سلامت نیرو. شما با نیروهای نظامی دیگر فرق دارید؛ شما بین مردمید و مردم با شما مماسند؛ خدای نکرده هرگونه تخلفی، اشکالی، ایرادی، کج رفتاری، بدعملی فوراً بین مردم منعکس می‌شود؛ بیش از سایر دستگاه‌ها. شاید کمتر دستگاهی در سطح کشور داریم که به قدر شما با مردم مخلوط باشد و همراه باشد؛ بنابراین اگر خدای نکرده اشکالاتی وجود داشته باشد، خطایی باشد، خیانتی باشد، مشکلی باشد، بلافاصله در بین جامعه منعکس می‌شود؛ وقتی منعکس شد، آن وقت فقط آبروی نیروی انتظامی نیست که می‌رود، همان‌طور که عرض کردیم، نیروی انتظامی نماینده حاکمیت اسلامی است، نماینده نظام جمهوری اسلامی است در مردم، آبروی همه خواهد رفت. این است که خیلی به مسئله سلامت نیرو اهمیت بدهید. داخل کلانتری‌ها، در خیابان، در جاده، در همه جای دیگر واقعاً توجه بشود به این معنا که سلامت نیروی انتظامی و عناصر نیرو حفظ بشود. حقیقتاً نیروی انتظامی می‌تواند به جمهوری اسلامی آبرو بدهد. یعنی اگر فرض کنیم

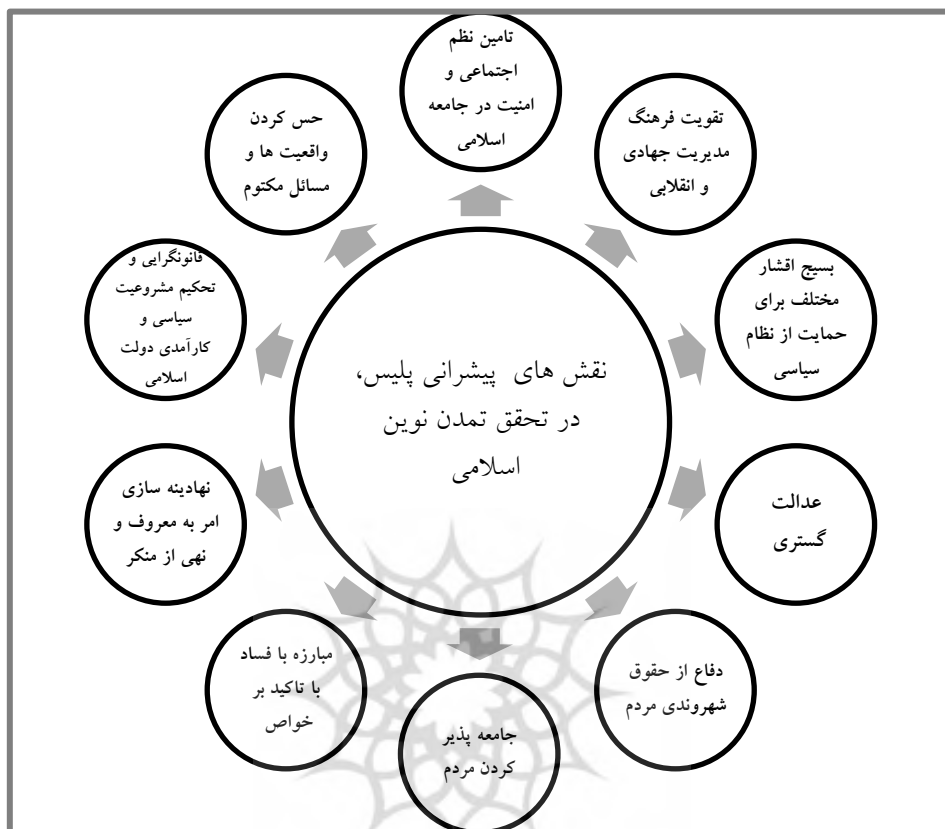
پنج یا ده دستگاه دیگر هم به وظایفشان عمل نکنند اما نیروی انتظامی یک نیروی انتظامی صحیح‌العمل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم باشد، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد؛ می‌توانید مایه آبرو باشید. نقطه مقابلش هم خدای نکرده ممکن است اتفاق بیفتد؛ بنابراین اینها را بایستی توجه کرد که عمده، صیانت سازمانی است؛ در درون سازمان، این صیانت لازم انجام بگیرد که این طبعاً به بیرون منعکس خواهد شد (بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۹۴/۲/۶).

**پیشرانی در حمایت و بسیج اقشار مختلف جامعه از نظام سیاسی:** در ادبیات جامعه‌شناسی دولت، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی از جمله دولت اسلامی، برای پایداری و همچنین برای توانمند شدن به منظور تامین و پاسخگویی به مطالبات مردم و گروه‌های اجتماعی نیازمند حمایت و پشتیبانی از سوی مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند، در فرآیند جلب این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها، نهاد پلیس و نیروی انتظامی از مهمترین سازمان‌هایی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جلب حمایت‌ها از دولت اسلامی داشته باشد. پلیس و ماموران وظیفه‌شناس و دست‌پاک آن، از طریق ارتباط با مردم و گروه‌های اجتماعی، به اطلاعات نوینی در اجتماع دست یافته و آنها را به دولت و کارگزاران نظام منتقل می‌کنند تا در تصمیم‌های آنان موثر باشد؛ از طرف دیگر پلیس واکنش‌های مردم و شهروندان و گروه‌های اجتماعی را در چگونگی حمایت از دولت به کارگزاران و نخبگان سیاسی انتقال می‌دهند. «جامعه‌شناسان فرانسوی از این کارکرد پلیس که نوعی راهبرد حمایتی متقابل تلقی می‌شود، به سازمان پلیس لقب «هواشناس افکار عمومی» داده‌اند (لویه دلای، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

**پیشرانی در تقویت فرهنگ مدیریت جهادی و انقلابی بودن:** مدیریت جهادی، اصطلاحی نوین در بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در چند سال اخیر است، ایشان در تبیین مدیریت جهادی می‌فرمایند: «با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و

بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ انجام داد، یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است، باید حرکتی که می‌شود هم علمی باشد هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد (۱۳۹۲/۱۲/۲۰). یکی از راهبردهای بسیار تاثیرگذار نهاد پلیس و فرماندهان و ماموران آن عملکرد انقلابی و مدیریت جهادی آنان و کمک به نهادینه شدن آن در فضای جمهوری اسلامی ایران و در لایه‌های اجتماعی و ساختارهای مختلف کشور است که به طور جدی مورد تاکید امام راحل و مقام معظم رهبری بوده و هست. انقلابی بودن و مدیریت جهادی در یک نظام اسلامی لازم و ملزوم یکدیگر هستند و انقلابی بودن مدیران کشور گامی بلند در فرآیند نیل به تمدن نوین اسلامی است و این مقوله زمینه ساز اعتماد به نفس بیشتر مسئولان و افزایش روحیه کار و تلاش مضاعف در عرصه‌های مختلف خواهد بود. شاخص‌های انقلابی بودن نخبگان و مدیران کشور در بیانات ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

- ۱- پای‌بندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛
  - ۲- هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها؛
  - ۳- پای‌بندی به استقلال کشور؛
  - ۴- حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و تبعیت نکردن از آن؛
  - ۵- تقوای دینی و سیاسی (بیانات در حرم امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۹۵/۳/۱۲).
- انقلابی بودن نهاد نیروی انتظامی و انقلابی ماندن آن در کنار برخورداری فرماندهان و ماموران نیروی انتظامی از روحیه انقلابی و مدیریت جهادی، زمینه‌ساز موفقیت و کارآمدی روزافزون سازمان پلیس جمهوری اسلامی ایران در فرآیند انجام بهینه وظایف و ماموریت‌ها بوده و باعث اعتماد بیشتر مردم و ملت به پلیس و در نهایت افزایش سرمایه اجتماعی، مشروعیت و کارآمدی برای دولت اسلامی خواهد شد.



### بحث و نتیجه‌گیری

پلیس به‌عنوان یکی از مهمترین سازمان‌های اجتماعی و امنیتی نظام اسلامی، نقشی مهم و زیربنایی در تحقق اهداف این نظام داشته و یکی از سنگ‌های بنای تمدن نوین اسلامی و به‌عنوان یک سازمان و نهاد پیشران در تحقق آن به‌شمار می‌آید. به همین منظور شناخت صحیح شاخص‌ها و ممیزهای تمدن نوین اسلامی و شناخت نقش‌های پیشرانی که به واسطه آنها پلیس می‌تواند در تحقق این تمدن به ایفای نقش پردازد، گامی مهم برای نیل به اهداف این سازمان به‌عنوان جزئی موثر در تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی است. همچنین پلیس در رویکرد جدید آن (پلیس جامعه‌محور)

دیگر فقط نهادی کنترل‌کننده نظم و امنیت با استفاده از ابزار قوه قاهره نیست، بلکه باوجود مأموریت پیشین، سازمانی پویا با مأموریت پیشرانی و نهادینه‌سازی و پیشبرد اهداف نظام و دولت است؛ بنابراین نیازمند بکارگیری تدابیر و سیاست‌های نوین مبتنی بر عقلانیت، به‌خصوص در حوزه گزینش، تربیت و مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی است که تحقق این شاخصه‌ها و جدیت و همیت عالمانه نسبت به آن می‌تواند از جمله زمینه‌های تحقق شاخصه‌ها و مولفه‌های تمدن نوین اسلامی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران باشد.

### **پیشنهادها**

در سال‌های اخیر سازمان پلیس در ایران، نظیر سایر نهادها و سازمان‌های دیگر، بعد از انقلاب از رشد و توسعه کمی و کیفی خوبی برخوردار بوده و با تاکید بر عقلانیت و بهره‌گیری از رویکردهای نوین توانسته است گام‌های قابل قبولی در تبدیل شدن به یک نهاد و سازمان پلیس در طراز جمهوری اسلامی بردارد. اما نیل به آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی قله بلندی است که دست یافتن به آن محتاج بذل تلاش و کوشش روزافزون‌تری است. در این میان طراحی سازوکارهای مناسب با این اهداف، با توجه به ظرفیت‌هایی که پلیس جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در تحقق آنها ایفای نقش کند ضرورتی غیرقابل کتمان است. در این خصوص به‌نظر می‌رسد توسعه و رشد نرم‌افزاری و ضرورت اصلاح دیدگاه‌ها و رویکردهای فرماندهان و مأموران پلیس نقشی پررنگ‌تر از اصلاحات و تکامل بعد سخت‌افزاری پلیس بازی می‌کند. در این میان نقش فرهنگ سازمانی و اصلاح آن بسیار ضروری است و نقش عوامل زیر بیش از سایر عوامل مهم به‌نظر می‌رسد:

- ۱- بازنگری و اصلاح ساختار سازمانی نیروی انتظامی؛
- ۲- بازنگری و اصلاح فرهنگ سازمانی نیروی انتظامی برای تبدیل شدن به سازمانی فرهنگی - جهادی، انقلابی و مأمور مسئول و مردمی؛

۳- جذب و گزینش نخبگان از میان جوانان برومند، شجاع، متخصص و متعهد به آرمان‌های نظام و رهبری؛

۴- آموزش و تربیت صحیح منابع انسانی مبتنی بر دانش روز؛

۵- تخصصی کردن نیروی انتظامی و پلیس؛

۶- بکارگیری هدفمند و مبتنی بر شایسته‌سالاری منابع انسانی؛

۷- پایش و مدیریت بهینه سرمایه‌های انسانی و مادی.


با توجه به موارد یادشده و با عنایت به اینکه در سال‌های آتی رویکرد جامعه‌محوری رویکرد غالب در نیروی انتظامی خواهد بود و همانطور که اشاره شد وجه ممیزه چنین رویکردی نسبت به سایر رویکردها ارتباط عمیق پلیس با لایه‌ها و نهادهای مختلف جامعه اسلامی و مردم است، به نظر می‌رسد تحقق چنین امری، نیازمند کاربست سیاست‌ها و راهبردهای جدید در حوزه‌های گزینش، آموزش، تربیت و فرهنگ سازمانی مردم‌گرا است که باید در سطوح مختلف نیروی انتظامی، به‌خصوص در امر آموزش و تربیت منابع انسانی صورت گیرد، زیرا به نظر می‌رسد با وجود پیشرفت‌های متعددی که در سالیان گذشته در سطح سازمان پلیس در جمهوری اسلامی ایران تحقق پذیرفت ولی ساختار سازمانی، تشکیلات، فرهنگ سازمانی، سیاست‌ها و برنامه‌های جذب، آموزش و تربیت نیروی انسانی و الگوهای مدیریت که توسط فرماندهان اعمال می‌شود هم‌چنان مبتنی بر روش‌های قدیمی و مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای اقتدارگرایانه غیر جامعه‌محور و کمتر مردمی است. بنابراین به نظر می‌رسد پلیس در آغاز دهه چهارم حیات پر برکت نظام اسلامی در ایران، به منظور نیل به اهداف تمدن‌نوین اسلامی نیازمند سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر در این ابعاد بوده و هنوز راه‌های نرفته بسیاری در این ساحت نزد متفکران، پژوهشگران و مدیران و فرماندهان نیروی انتظامی وجود دارد که نیازمند عزم جهادی و همت بلند انقلابی است.



### فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی. جلد دوم. تهران: چاپار.
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ سخن به روز. تهران: سخن.
- بختیاری، حسین و ترابی، یوسف. (۱۳۸۶). تاریخچه آموزش عالی نیروهای انتظامی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- ترابی، یوسف و رفیعی‌دولت‌آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۶). پلیس و نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (پلیس و سیاست)، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جهان‌بین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۳). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. زمستان ۱۳۹۳، شماره ۳۹، از صفحه ۲۹ تا ۴۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ نهم. تهران: سمت.
- دورانت، ویل. (۱۳۶۵). تاریخ تمدن. احمد آرام (مترجم). جلد ۱. تهران: انقلاب اسلامی.
- عروتی‌موفق، اکبر. (۱۳۸۵). پیامبر اعظم (ص) بنیانگذار تمدن اسلامی. معرفت، بهمن ۱۳۸۵، شماره ۱۱۰. از صفحه ۳۳ تا ۴۱.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۴). مسئله‌شناسی آینده تحقق تمدن نوین اسلامی. همایش ملی تمدن نوین اسلامی تهران: دانشگاه شاهد.
- فرجیها، محمد و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم (ساختار و سازمان پیشگیری از جرم). فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۴. دوره دوم، پاییز ۱۳۸۶ از صفحه ۲۱ تا ۲۴۹

- لوبه دلبای. (۱۳۹۳). پلیس و سیاست، رویکردی جامعه‌شناختی. وحید کوثری (مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی نیروی انتظامی.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- منزوی، مسعود. (۱۳۸۸). آینده پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- نوروزی، بهرام و افراسیابی، علی. (۱۳۸۹). رویکرد جامعه‌محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۴، از صفحه ۷ تا ۳۶.
- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. جلد ۱. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- سایت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی [www.persianacademy.ir/fa/word](http://www.persianacademy.ir/fa/word)
- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) <http://farsi.khamenei.ir>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ